

دکتر متیو اس. هارمون، فیلیپیان: در انجیل عیسی مسیح شاد باشید، جلسه ۶: شادی ریشه در زندگی مشترک، حاصل انجیل - فیلیپیان ۲: ۱-۴

نوشته تد هیلدبرانت BiblicaleLearning.org

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در مجموعه مقالاتش در مورد فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید». «این جلسه ششم است، «شادی ریشه در زندگی مشترک دارد، که توسط انجیل ایجاد شده است. «فیلیپیان ۲: ۱-۴.

به جلسه ششم از مطالعه ما در فیلیپیان خوش آمدید. عنوان این جلسه شادی ریشه گرفته در زندگی مشترک است که توسط انجیل تهیه شده است. ما به فیلیپیان، فصل دوم، آیات یک تا چهار، خواهیم پرداخت.

قبل از انجام این کار، همیشه خوب است که به خودمان یادآوری کنیم که در کجای کتاب بوده‌ایم، و بنابراین در جلسه قبلی ما به فیلیپیان ۱، آیات ۲۷ تا ۳۰، که آغاز بدنه نامه بود، نگاه کردیم و آن بخش، فیلیپیان ۱، ۲۷ تا ۳۰، بر زندگی به عنوان شهروندان پادشاهی خدا به شیوه‌ای شایسته انجیل تمرکز داشت. ما در مورد اینکه چگونه شهروندی ما در بهشت به عنوان بخشی از پادشاهی خدا است، و اینکه این هویت، ارزش‌های ما را تعیین می‌کند، و اینکه انجیل تقریباً به عنوان یک قانون اساسی عمل می‌کند که ما زندگی خود را بر اساس آن ارزیابی می‌کنیم، و ضرورت ایستادگی در ایمان و در یک روح، در مواجهه با مخالفت، و این واقعیت که رنج و ایمان هر دو هدایایی هستند که خدا به ما می‌دهد، صحبت کردیم. بنابراین، این زمینه را برای فیلیپیان فصل دوم، آیات ۱ تا ۴ فراهم می‌کند.

پس بیایید ادامه دهیم و آن را بخوانیم. فیلیپیان فصل دوم، از آیه اول شروع می‌شود. پس اگر در مسیح دلگرمی، از محبت تسلی، از روح مشارکت، از محبت و همدردی وجود دارد، شادی مرا با همفکری، عشق یکسان، هماهنگی کامل و یکدلی کامل کنید.

هیچ کاری را از روی جاه‌طلبی یا تکبر انجام ندهید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود مهم‌تر بدانید. هر یک از شما نه تنها به منافع خود، بلکه به منافع دیگران نیز توجه کند. بنابراین بیایید با مروری کوتاه بر ساختار این متن شروع کنیم.

در آیات یک تا چهار، اگرچه ترجمه‌های انگلیسی ما این را منعکس نمی‌کنند، زیرا جملات یونانی و جملات انگلیسی متفاوت عمل می‌کنند، در آیات یک تا چهار، همه یک جمله طولانی به زبان یونانی هستند. و بنابراین ترجمه‌های انگلیسی ما به درستی آن را به جملات کوچکتر تقسیم می‌کنند، اما آن چهار آیه همگی یک جمله طولانی هستند. و در واقع نوع خاصی از جمله است.

این یک جمله‌ی شرطی است. این یک جمله‌ی شرطی اگر-آنگاه به زبان یونانی است. و این زمینه را برای درک ساختار آنچه در آن متن خاص اتفاق می‌افتد، فراهم می‌کند.

یا شرطی به عنوان یک دسته بزرگ و گول‌پیکر فکر می‌کنیم if-then حالا، در انگلیسی ما معمولاً به گزاره‌های شرطی اما در یونانی بسته به آنچه می‌خواستید منتقل کنید، انواع مختلفی از گزاره‌های شرطی وجود داشت. و بنابراین این چیزی است که به عنوان یک گزاره شرطی درجه یک از آن یاد می‌شد. و اینکه آیا این را به خاطر دارید یا نه، واقعاً مهم به if نیست، اما آنچه مهم است این است که وقتی نویسنده‌ای از یک گزاره شرطی درجه یک استفاده می‌کند، بخش خاطر استدلال درست فرض می‌شود.

بنابراین وقتی نویسنده آن را به روشی که انجام می‌دهد، با استفاده از دستور زبان یک جمله شرطی درجه یک، بیان می‌کند، اگرچه ترجمه آن به صورت «اگر» کاملاً خوب است، اما ایده این است که «اگر» وجود دارد، و ما می‌دانیم که این واقعیتی است که در مورد آن صحبت می‌شود. بنابراین وقتی پولس می‌گوید آیا در مسیح دلگرمی وجود دارد، شک

نمی‌کند؛ او در مورد اینکه آیا این واقعاً درست است یا خیر، تردید نمی‌کند. در واقع، او می‌گوید اگر ما در مسیح دلگرمی داریم و می‌دانیم که داریم، پس این همان چیزی است که در ادامه می‌آید.

بنابراین، این قدرت این عبارت «اگر-آنگاه» است که برای پیشبرد بحث، درست فرض شده است. آیه ۱، در این ساختار «اگر-آنگاه»، عبارت «اگر» است و او قصد دارد چهار فایده انجیل را که ما تجربه می‌کنیم، فهرست کند و عبارت «آنگاه» در آیات ۲ تا ۴ یافت می‌شود. او قصد دارد دستور اصلی را در متن بدهد، که همانطور که خواهید دید، شادی کامل ذهن است، و سپس با مجموعه‌ای از بندها دنبال می‌شود که توضیح می‌دهد چگونه باید این کار را انجام دهیم. بنابراین این ساختار اساسی فیلیپیان ۲: ۱-۴ است. با این حال، قبل از اینکه به جزئیات این آیات بپردازیم، فکر می‌کنم مهم است که یک قدم به عقب برداریم و تشخیص دهیم که رابطه تنگاتنگی بین ۱ تا ۴ و ۵ تا ۱۱ وجود دارد و ما صرفاً به خاطر راحتی، آنها را جداگانه بررسی می‌کنیم تا بتوانیم زمان متمرکزتری را در هر یک از این بخش‌ها صرف کنیم.

اما همانطور که این کار را انجام می‌دهیم، باید هر دو مورد را در حین کار در نظر داشته باشیم. بنابراین وقتی به رابطه با آیات ۵ تا ۱۱ فصل ۲ نگاه می‌کنید، به ما کمک می‌کند تا به سمت آنچه که در آیات ۵ تا ۱۱ به عنوان مسیحی نامیده می‌شود، حرکت کنیم و در واقع چیزهایی که در آیات ۱ تا ۴ توصیف شده‌اند، اعمال ملموسی هستند که طرز فکر مسیح را که پولس در آیه ۵ به آن اشاره می‌کند و سپس در آیات ۶ تا ۱۱ به تفصیل شرح می‌دهد، به تصویر می‌کشند. و باز هم، ما آنها را جداگانه انجام می‌دهیم تا بتوانیم زمان متمرکزتری را در هر قسمت صرف کنیم.

اگر قرار است در مورد این متن موعظه یا تعلیم دهید، فکر می‌کنم کاملاً خوب است که این دو متن را به عنوان یک واحد منسجم موعظه کنید. نکته منفی این است که پوشش دادن این همه موضوع بسیار دشوار است زیرا این آیات آنقدر غنی هستند که فکر می‌کنم اکثر افراد می‌خواهند کمی بیشتر در مورد آنچه در اینجا می‌یابیم، تأمل کنند. بنابراین، با توجه به این پیشینه، بیایید به فیلیپیان ۲ آیات ۱ تا ۴ بپردازیم و آنچه در اینجا خواهیم دید، شادی ریشه گرفته در زندگی مشترکی است که توسط انجیل ایجاد می‌شود.

و همانطور که اشاره کردم، آیه ۱ چهار فایده انجیل را بیان می‌کند، چهار واقعیتی که ما به دلیل آنچه خدا از طریق انجیل برای ما انجام داده است، تجربه می‌کنیم. اولین مورد، عبارت «تشویق در مسیح» است. و وقتی به ایده تشویق فکر می‌کنیم، حس آن واقعاً دلگرم‌کننده است.

بنابراین این نوعی توانمندسازی کلامی برای کسی است، و توجه داشته باشید که این فقط تشویق عمومی نیست، که خوب است، اشکالی ندارد، بلکه پولس در مورد تشویق در مسیح صحبت می‌کند. به عبارت دیگر، منبع این تشویق این واقعیت است که ما در مسیح هستیم و ما در مورد واقعیت تمام چیزهایی که در مورد ما به دلیل بودن در مسیح صادق است، تأمل می‌کنیم و این باید ما را تشویق کند. و البته فقط جنبه درونی آن وجود ندارد، بلکه جنبه بیرونی و ظاهری آن نیز وجود دارد که تشویق دیگران و یادآوری مزایای است که از بودن در مسیح نصیب آنها می‌شود.

بنابراین، این اولین فایده‌ای است که پولس در آیه ۱ به آن اشاره می‌کند. مورد دوم، تسلی از عشق است. و روش دیگر برای تفکر در مورد این موضوع، تسلی یا آرامشی است که از عشق خدا به ما ناشی می‌شود. و ایده اینجا این است که ما تسلی و آرامش نهایی را داریم که از عشق خدا به ما ناشی می‌شود و این یکی از فواید انجیل است که ما آن را به عنوان یک واقعیت تجربه می‌کنیم.

سوم، مشارکت در روح. و ما قبلاً اشاره کردیم که یکی از ایده‌های کلیدی در غلاطیان، ایده رفاقت یا مشارکت است، و در اینجا دوباره همان مفهوم را داریم. ما آن را در فصل ۱ آیه ۵ دیدیم، جایی که پولس در مورد چگونگی مشارکت فیلیپیان با او در مزایای انجیل صحبت کرد.

بنابراین اگر به فصل ۱ آیه ۵ نگاه کنید، او می‌گوید، به دلیل مشارکت یا رفاقت شما در انجیل از روز اول تا به حال. و بنابراین در اینجا در فصل ۲ آیه ۱، آن مشارکت، آن رفاقت، آن شراکت در روح تجربه می‌شود. اینکه روح کسی است که ما را با هم متحد می‌کند تا در آنچه خدا برای ما انجام داده است، سهیم باشیم.

و این بخشی از زمینه مشترک ماست. اینکه اگرچه در بدن مسیح، ما در کنار افرادی با پیشینه‌های قومی مختلف، یا پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت، یا سنین مختلف، و تجربیات مختلف هستیم، آنچه در نهایت ما را متحد می‌کند، کاری است که خدا از طریق مسیح برای ما انجام داده است، کاری که توسط روحش در ما اعمال شده است، و

روح کسی است که ما را با هم متحد می‌کند تا در مزایای انجیل سهیم شویم. و در آخر، او از محبت و همدردی یاد می‌کند.

فکر می‌کنم می‌توانیم این‌ها را از نظر انگیزه‌های عمیق عشق به خدا و دیگران، که در نگرانی ناملوس برای دیگران ابراز می‌شود، در نظر بگیریم. به یاد دارید که در فصل ۱، پولس در مورد این واقعیت صحبت کرد که او با محبت مسیح مشتاق فیلیپیان است و این در اینجا به اعمال ملموسی که بیانگر آن محبت و مراقبت از یکدیگر هستند، گره خورده است. حال، یکی از چیزهایی که ممکن است هنگام بررسی این موضوع از دست داده باشید این است که سه عنصر اول آنها در واقع ساختاری تثلیثی دارند.

بنابراین شما به تشویق در مسیح اشاره می‌کنید، از عشق تسلی می‌یابید و در روح مشارکت دارید. و بنابراین فکر می‌کنم می‌توانید نوعی چارچوب تثلیثی را برای آن واقعیت‌ها به کار ببرید. بنابراین اینها چهار مزیت انجیل هستند که پولس مطرح می‌کند، و او می‌گوید اینها واقعیت‌های واقعی هستند که ما می‌دانیم داریم، و بر اساس آن حقیقت، بر اساس این چهار مزیت انجیل، به پولس دستوری داده می‌شود که می‌گوید، ببینید، از آنجایی که این درست است، باید اینگونه پاسخ دهید.

و این پاسخ در آیه ۲ یافت می‌شود، و او با فرمان «شادی مرا کامل کن» شروع می‌کند. و این یک روش بسیار عمدی برای بیان آن است، زیرا او تأکید می‌کند که از قبل شادی دارد. این شادی چیز جدیدی نیست.

او نمی‌گوید من شادی ندارم، پس لطفاً به من شادی بده. او می‌گوید شادی مرا کامل کن. آن را به طور کامل پر کن.

این شادی از قبل وجود دارد، اما شما می‌توانید کارهای خاصی انجام دهید تا شادی مرا به کمال برسانید. و بنابراین این شادی که او از آن صحبت می‌کند، ریشه در این مشارکت مشترک در انجیل با فیلیپیان دارد. و من فکر می‌کنم نکات مقایسه‌ای مفیدی را می‌توان در انجیل یوحنا یافت، همانطور که عیسی در روزها و ساعات قبل از مرگ و رستایش خود با شاگردانش قدم می‌زند، چگونه او بارها و بارها به این موضوع برمی‌گردد که می‌خواهد شاگردان در شادی او شریک باشند، شادی‌ای که او برای همیشه با پدر تجربه کرده است.

و بنابراین این ایده تکمیل شادی پولس باید یادآوری برای ما باشد که به ما دستور داده شده است که شادی را دنبال کنیم. و من فکر می‌کنم در برخی زمینه‌ها، برخی از افراد از زمینه‌هایی می‌آیند که با نسخه‌ای از مسیحیت آشنا شده‌اند که در آن همه چیز در مورد ریاضت و انضباط و تقریباً خشن بودن است. و این تصویر از زندگی مسیحی واقعاً سخت و دشوار است، و بنابراین این چیزی است که باید انتظار داشته باشیم.

و مطمئناً رگه‌هایی از حقیقت در این حرف وجود دارد. با این حال، خدا می‌خواهد ما به دنبال شادی باشیم. و در واقع، به نظر من ما ذاتاً به دنبال شادی هستیم.

ما طوری برنامه‌ریزی شده‌ایم که به دنبال شادی باشیم. لازم نیست واقعاً به خودمان بگوییم که این کار را انجام دهیم. فکر می‌کنم این بخشی از نحوه برنامه‌ریزی ما توسط خداوند است.

مشکل ما این است که آن را در جاهای اشتباه جستجو می‌کنیم. و بنابراین پولس می‌گوید، شادی مرا کامل کنید، و آن را به ایده هم‌فکر بودن پیوند می‌دهد. بنابراین در فصل ۲، آیه ۲، متوجه می‌شوید که می‌گوید، شادی مرا با هم‌فکر بودن کامل کنید.

من فکر نمی‌کنم که پولس بگوید همه در کلیسا باید در مورد تک تک جزئیات زندگی دقیقاً یکسان فکر کنند. او این را نمی‌گوید. اما فکر می‌کنم منظورش این است که ما دیدگاه کلی یکسانی نسبت به زندگی، ارزش‌ها، اولویت‌ها و باورهای مشترکمان داریم.

ذهن یا طرز فکر، یک موضوع کلیدی است که در سراسر رساله فیلیپیان وجود دارد، صحبت کردیم. و اینجا دوباره آن را می‌بینیم. این ایده چیزی بیش از یک جهان‌بینی فکری است که فقط مجموعه‌ای از پاسخ‌های خاص را به سوالات فکری ارائه می‌دهد.

این ایده، یک چارچوب مشترک برای زندگی است که شامل ارزش‌ها، باورها و اعمال می‌شود. و این همان چیزی است که پولس از فیلیپیان می‌خواهد تا آن را تجربه کنند. اکنون با توجه به این موضوع، او مجموعه‌ای از ابزارها را ارائه می‌دهد.

به عبارت دیگر، چگونه این کار را انجام دهیم؟ چگونه به دنبال تکمیل شادی باشیم؟ و ما چندین راه داریم. می‌توانیم حداقل پنج مورد را در این متن فهرست کنیم. پولس به نوعی فهرستی سریع از آنها ارائه می‌دهد.

اول، داشتن عشق یکسان. بنابراین او قبلاً در آیه ۱ در مورد این واقعیت صحبت کرده است که ما از عشق آرامش می‌یابیم. و حالا او می‌گوید با تجربه کردن همان عشق با هم، آن عشق به خدا، آن عشق به دیگران، این راهی برای به حداکثر رساندن شادی فرد است. بنابراین جای تعجب نیست که با این ایده اساسی شروع می‌شود.

دوم، کاملاً موافق بودن. حالا اینجا در این زبان، دوباره، ما در انگلیسی تقلا می‌کنیم تا برخی از واقعیت‌های آنچه پولس در متن یونانی می‌گوید را به تصویر بکشیم. اما صرف نظر از این، فکر می‌کنم ایده اینجا به اشتراک گذاشتن یک زندگی مشترک است.

من فکر می‌کنم منظور پولس در اینجا دقیقاً همین است. اینکه زندگی مشترک راهی برای تقویت و تشدید شادی‌های ماست. سوم، داشتن یک فکر و عقیده.

حالا ممکن است این را بشنوید و بروید، یک دقیقه صبر کنید، مگر او تقریباً اساساً همین حرف را نزد، مثلاً چهار بند قبل؟ و مشابه است، اما کاملاً یکسان نیست. عبارت او در اینجا می‌تواند به عنوان تفکر در مورد یک چیز ترجمه شود. و من فکر می‌کنم منظور پولس در اینجا تمرکز دقیق بر انجیل و پیامدهای آن است.

و اینجا است که فکر می‌کنم تأمل در این مورد برای ما مفید است، زیرا در نهایت، به راحتی می‌توانیم حواسمان را با چیزهای غیرضروری پرت کنیم. و بنابراین فکر می‌کنم منظور پولس این است که فکر کردن به یک چیز، یعنی تمرکز کامل بر انجیل و پیامدهای آن، راهی برای گرد هم آوردن ما به عنوان ایمانداران و افزایش شادی ماست. چهارم، هیچ کاری را از روی جاه‌طلبی یا تکبر خودخواهانه انجام ندهیم.

به دلیل سقوط، ما به دنبال شماره یک هستیم، و از نظر ما، شماره یک خود ما هستیم، درست است؟ و بنابراین او می‌گوید بخشی از راهی که شما شادی خود را به حداکثر می‌رسانید، این است که هیچ کاری از روی جاه‌طلبی خودخواهانه انجام ندهید. و یکی از راه‌هایی که این نشان داده می‌شود، ارزیابی همه چیز از نظر این است که چگونه این به من سود می‌رساند؟ چگونه می‌توانم از این موقعیت بیشترین بهره را ببرم؟ چگونه می‌توانم حتی این موقعیت را به حداکثر برسانم یا دستکاری کنم تا به افتخار، شهرت و اولویت‌های من کمک کند؟ و بنابراین، پولس می‌گوید، ایده این است که این کار را نکنیم. بخشی از تکمیل شادی این است که توسط جاه‌طلبی یا غرور خودخواهانه مصرف نشویم.

و در آخر، توجه به منافع دیگران. بنابراین پولس فرض می‌کند که ما به دنبال منافع خودمان خواهیم بود. این اساساً برای ما طبیعی است.

اما منظور او این است که ما باید به منافع دیگران توجه کنیم و نوعی از خودگذشتگی را در پیش بگیریم که در این زمینه به دنبال بهترین چیز برای دیگران باشد، نه لزوماً بهترین چیز برای من. و بنابراین اینها پنج نوع وسیله یا راه هستند که پولس ما را برای تکمیل شادی خود فرا می‌خواند. می‌خواهم کمی به عقب برگردم و کمی عمیق‌تر به این ایده فروتنی به جای جاه‌طلبی خودخواهانه بپردازم.

بنابراین، دوباره، اگر به آیه چهارم نگاه کنید، ببخشید، آیه سوم، می‌گوید هیچ کاری را از روی جاه‌طلبی یا تکبر خودخواهانه انجام ندهید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود مهم‌تر بدانید. و اینجا است که کینگ جیمز مفهوم این کلمه را بیان می‌کند. کلمه یونانی که در اینجا به عنوان تکبر خودخواهانه یا جاه‌طلبی خودخواهانه ترجمه شده است، کینگ جیمز آن را به عنوان غرور و خودبزرگ‌بینی ثبت کرده است.

و در واقع ترکیبی از دو کلمه در یونانی است. ترکیبی از کلمه تهی و کلمه جلال. و بنابراین این ترکیب چشمگیر جلال است، اما خالی است.

این بر هیچ پایه و اساسی استوار نیست. در واقع واقعی نیست. و بنابراین، این ایده خودبزرگ‌بینی یا جاه‌طلبی خودخواهانه، ما را به سمت پوچی دنبال کردن جلال خودمان، در مقایسه با جلال حقیقی که متعلق به خدا و پسرش عیسی مسیح است، سوق می‌دهد.

این ایده که دیگران را مهم‌تر از خودمان بدانیم، از ذهن شروع می‌شود و به بیرون منتشر می‌شود؛ اعمال خاصی را ایجاد می‌کند. باید از آنجا شروع شود و به یک تصمیم آگاهانه و ارادی نیاز دارد تا دیگران را مهم‌تر از خودمان بدانیم. و من می‌خواهم در اینجا چند کلمه در مورد فروتنی بگویم، زیرا ما در زمینه‌ای زندگی می‌کنیم که معمولاً تحت تأثیر کتاب مقدس، سنت یهودی و مسیحی قرار گرفته است و ما فقط به فکر فروتنی هستیم، خب، البته، این یک فضیلت است، چیزی است که باید در سطحی مورد تحسین قرار گیرد.

با این حال، نکته قابل توجه این است که فروتنی در دنیای یونان و روم یک فضیلت محسوب نمی‌شد. در عوض، به عنوان ضعف تلقی می‌شد. و چیزی که شما می‌خواستید از آن اجتناب کنید، نشان دادن ضعف بود.

و بنابراین در عوض، شما می‌خواستید به دنبال افتخار و جلال خود باشید. شما آن را دنبال کردید و از هرگونه تظاهر به ضعف اجتناب کردید. و بنابراین، بخشی از آنچه یهودیان و مسیحیان اولیه را متمایز می‌کرد این بود که آنها درباره فروتنی صحبت می‌کردند و آن را نه فقط به عنوان چیزی خوب، بلکه به عنوان یک ارزش والا می‌دیدند.

و البته، این ریشه در خود عهد عتیق دارد. این چیز کاملاً جدیدی نیست که مسیحیان اولیه آن را ابداع کرده باشند. اما همانطور که در متن بعدی، فصل ۲، آیات ۵ تا ۱۱ خواهیم دید، خواهیم دید که در شخص عیسی مسیح تجسم یافته است.

و بنابراین او پیش‌بینی می‌کند که آنجا چه خواهد گفت. متأسفانه، در برخی از بخش‌های فرهنگ امروز ما، فروتنی هنوز فضیلتی است که کمبود آن احساس می‌شود. و شما به تمایل طبیعی انسان برای تعالی خود، برای اینکه مردم شما را عالی بدانند، فکر می‌کنید.

طرق مختلف خود را نشان می‌دهد. و گاهی اوقات کاملاً نامحسوس است. من فکر می‌کنم باید در برابر واقعیت غرور هوشیار باشیم.

چون، می‌دانید، یکی از چیزهایی که عهد عتیق می‌گوید، و عهد جدید هم به آن اشاره می‌کند، این است که خدا با متکبران مخالفت می‌کند، اما به فروتنان فیض می‌بخشد. بنابراین پولس در مورد توجه به دیگران صحبت می‌کند. او فرض می‌کند که ما قرار است منافع خودمان را دنبال کنیم.

و در نهایت، این مستلزم اقدامات فداکارانه است. این کار آسانی نیست. منظورم این است که خود عبارت، فداکارانه، به شما می‌گوید که دارید از چیزی دست می‌کشید.

یا شما چیزی را که شاید حتی به یک معنا، به حق متعلق به شماست، به خاطر منفعت دیگران تسلیم می‌کنید. و این چیزی است که باید از ویژگی‌های زندگی در بدن مسیح باشد. و این باید چیزی باشد که باید ما را به عنوان مؤمن توصیف کند، زیرا، همانطور که در فیلیپیان ۲، آیات ۵ تا ۱۱ خواهیم دید، این در شخص خود مسیح تجسم یافته است.

متن خاص چیه؟ من به سادگی می‌گم. ما باید شادی خودمون رو به حداکثر برسونیم. خدا از طریق این متن ما رو می‌خونه تا شادی خودمون رو به حداکثر برسونیم.

و در این متن، خواهیم دید که اساساً دو عنصر در این امر وجود دارد. اول، ما با تجربه کردن مزایای انجیل، شادی خود را، به حداکثر می‌رسانیم. یکی از راه‌هایی که ما شادی را تجربه می‌کنیم، و شادی خود را عمیق‌تر می‌کنیم، یادآوری، تأمل صحبت کردن، بحث کردن، دعا کردن، و تعمق در مورد آنچه خدا در مسیح برای ما انجام داده است، و مزایایی که از طریق آن تجربه می‌کنیم، به خودمان است.

و به یاد داشته باشید، او چهار مورد از آنها را از همان ابتدا به ما داده بود. تشویق در مسیح، تسلی از عشق، مشارکت در روح، محبت و همدردی. همه اینها واقعیت‌هایی هستند که ما به دلیل آنچه خدا برای ما انجام داده است، از قبل داریم و اینها باید منبع شادی باشند.

و سپس دوم، ما با دنبال کردن وحدت در خدمت به دیگران، شادی خود را به حداکثر می‌رسانیم. ما با دنبال کردن وحدت در خدمت به دیگران، شادی خود را به حداکثر می‌رسانیم. ما وسوسه می‌شویم که فکر کنیم راه رسیدن به شادی، صرفاً جمع‌آوری چیزها یا تجربیات یا همین خودمحوری است.

و با این حال، آنچه پولس در اینجا به ما می‌گوید این است که مسیر رسیدن به حداکثر شادی در واقع دیگران محور است. اینکه مسیر شادی در عشق فداکارانه و خدمت به دیگران یافت می‌شود، که بسیار ضد فرهنگی است. آن زمان ضد فرهنگی بود؛ اکنون نیز ضد فرهنگی است.

و تا زمانی که مسیح بماند، مطمئنم که این [ایده] ضد فرهنگ باقی خواهد ماند. خب، این تصویر کلی است. بیایید با فکر کردن به برخی کاربردها، نتیجه‌گیری کنیم.

اول، فکر کنید یا بفهمید. بیایید با این درک واقعی شروع کنیم که به ما دستور داده شده است که شادی را دنبال کنیم. باز هم، فکر می‌کنم گاهی اوقات ما این دیدگاه را نسبت به خدا داریم که او این شادی‌گش کیهانی است و او نمی‌خواهد ما شاد باشیم یا شادی داشته باشیم.

واقعاً سخت و دشوار باشد. و این یک سوء تفاهم در مورد خداست و اینکه او چه قصدی برای ما دارد. و بنابراین درست است که ما به دنبال شادی باشیم.

مشکل ما، باز هم، این است که آن را در جاهای اشتباه جستجو می‌کنیم. باور کنید. ما معتقدیم که شادی واقعی از زندگی مسیح‌گونه و سرشار از عشق و فداکاری برای دیگران حاصل می‌شود.

بنابراین یک چیز این است که فکر کنیم، باشه، من قرار است شادی را دنبال کنم، قرار است آن را به حداکثر برسانم اما بعد، باور کنیم که راه رسیدن به آن در واقع عشق فداکارانه به دیگران است. این یک گذار، یک تحول است که واقعاً باید در قلب ما اتفاق بیفتد.

سوم، میل یا احساس. آرزوی داشتن عشق واقعی مسیح‌گونه به دیگران. و وقتی در مورد ایده شادی صحبت می‌کنیم، البته باید تأکید کنیم که شادی چیزی عمیق‌تر از نوعی شادی سطحی است.

زیرا پولس مرتباً در مورد شادی صحبت می‌کند، حتی در شرایط بسیار سخت و دشوار. بنابراین شادی نمی‌تواند در نهایت به شرایط ما یا آنچه در زندگی ما می‌گذرد وابسته باشد. باید ریشه در چیزی عمیق‌تر از این داشته باشد.

و بنابراین، وقتی صحبت از این می‌شود که چه چیزی را باید آرزو کنیم، چه چیزی را باید احساس کنیم، باید از خداوند بخواهیم که عشق واقعی مسیح‌گونه‌ای نسبت به دیگران را در ما پرورش دهد. حال، می‌خواهم روشن کنم: گاهی اوقات ممکن است بشنوید که کسی می‌گوید، خب، اگر ما حس انجام کاری را نداریم، پس خدا نمی‌خواهد ما آن را انجام دهیم. این ایده است که او نمی‌خواهد ما از چیزی اطاعت کنیم وقتی احساساتمان با آن همسو نیست.

و این اصلاً کتاب مقدسی نیست. این کتاب مقدسی نیست. البته، در یک دنیای ایده‌آل، قلب و اعمال ما در اطاعت همسو هستند.

اما از تجربه خودم می‌دانم که بارها پیش آمده که مجبور شده‌ام اراده‌ام را برای اطاعت انتخاب کنم، زمانی که احساساتم با خواسته خدا همسو نیست. نمی‌خواهم کاری را که خدا می‌گوید انجام دهم، اما به هر حال آن را انجام می‌دهم. و می‌دانید جالب اینجاست؟ اغلب اوقات چیزی که متوجه می‌شوم این است که وقتی آن عمل اطاعت را انجام می‌دهم، خدا احساساتم را در حین انجام آن یا پس از آن همسو می‌کند.

و بنابراین ما نمی‌توانیم برده باشیم که خب، اگر من حس انجام کاری را نداشته باشم، پس اطاعت هم نخواهم کرد. این موضوع مطرح نیست. و بنابراین ما به این ایده فکر می‌کنیم که خب، من این عشق واقعی مسیح‌گونه را نسبت به دیگران احساس نمی‌کنم.

خب، پس این چیزی است که باید از خدا بخواهید به شما بدهد. اما این بهانه‌ای برای متوقف کردن نشان دادن اعمال ملموس عشق به اطرافیان‌تان نیست. اگر صادق باشیم و شما به اندازه کافی در کلیسا باشید، دوست داشتن بعضی از افراد به دلایل مختلف دشوارتر از دیگران است.

و این‌طور نیست که خدا بگوید، خب، دوست داشتن او واقعاً غیرممکن است. من از این موضوع صرف نظر می‌کنم نه.

او می‌گوید، برای خودت بمیر، به آن شخص عشق بورز، و شاید خداوند در طول مسیر آن نوع اشتیاق و احساس را به تو بدهد. در نهایت، انجامش بده. من پیشنهاد می‌کنم یک عمل ملموس از عشق فداکارانه را که می‌توانی این هفته برای شخص دیگری انجام دهی، مشخص کن.

حتی لازم نیست یک حرکت بزرگ باشد، بلکه مشخصاً شناسایی و بیان این است که چه کسی را می‌توانم این هفته با انجام کاری که برای من هزینه‌ای دارد - وقت، انرژی، شاید حتی پول - برکت دهم تا یک برکت باشد یا نیازی را برای شخص دیگری برآورده کند. بنابراین، این پیام پولس در فیلیپیان ۲: ۱-۴ است. و این زمینه را برای آنچه در اینجا در فصل ۲: ۵-۱۱ می‌بینیم، به اصطلاح سرود مسیح، فراهم می‌کند. و این چیزی است که در جلسه بعدی خود در مورد آن بحث خواهیم کرد.

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در مجموعه مقالاتش در مورد فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید». «این جلسه ششم است، «شادی ریشه در زندگی مشترک ناشی از انجیل». «فیلیپیان ۲: ۱-۴».